

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه زرنق، نمودی از جوامع مردسالار در شمال غرب ایران

علیرضا هژبری نوبری^{۱*}، حسین ناصری صومعه^۲، مونا صبا^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۲۴)

چکیده

طی فصل اول کاوش‌های باستانشناختی تپه زرنق آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۱، تعداد زیادی پیکرک گلی در اشکال انسانی و حیوانی مربوط به دوره مفرغ قدیم به دست آمد. در حالی که اکثر پیکرک‌های به دست آمده از کاوش‌های باستانشناسی در دنیا پیکرک‌های مونث الهه‌های باروری هستند؛ مطلب قابل توجه در اینجا پیکرک‌های انسانی از نوع مذکر است که مسلماً وجود تعداد قابل توجهی از این نوع پیکرک، بیانگر نشانه‌هایی از ساختار اجتماعی و طرز تفکر آن جامعه بوده و حکایت از جایگاه اعتقادی ویژه این گروه پیکرک را دارد. با توجه به اینکه در اکثر محوطه‌های مربوط به دوره مفرغ قدیم فرهنگ کورا-ارس، بیشتر شیوه معماری و سفال‌های آن دوران مدنظر بوده و بر روی پیکرک‌های گلی به دست آمده پژوهش خاصی صورت نگرفته است، لذا در این مقاله تلاش شده است که با مطالعه پیکرک‌های فرهنگ کورا-ارس به تحلیل و طبقه بندی پیکرک‌های تپه زرنق و همچنین ارتباط

* hejebri@modares.ac.ir

۱. استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

این آثار با عوامل فرهنگی - عقیدتی و ساختار اجتماعی دوره مفرغ قدیم محدوده فرهنگ کورا - ارس پرداخته شود.

واژگان کلیدی: تپه زرتق، شمالغرب ایران، فرهنگ کورا- ارس، پیکرک‌های گلی مذکر، جوامع مرد سالار

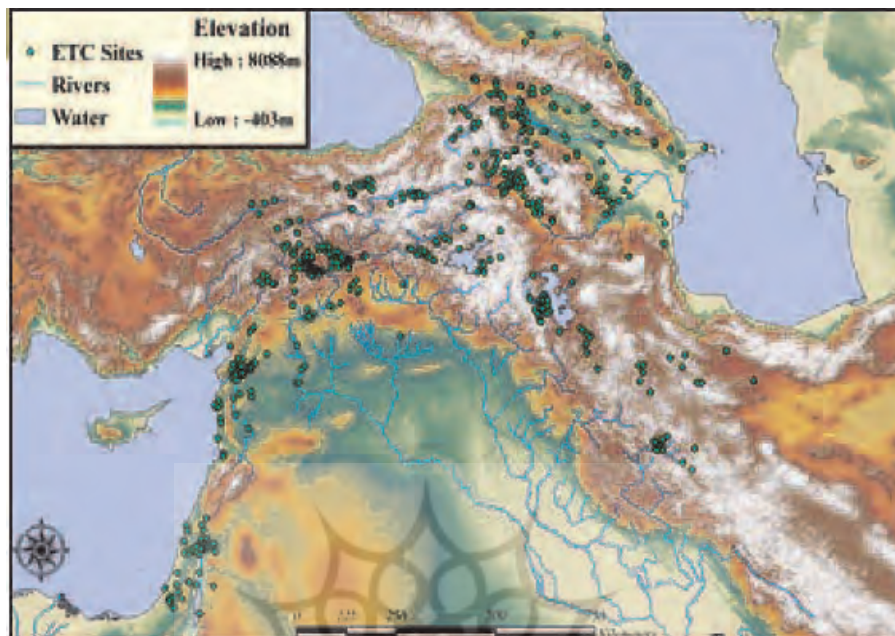
۱- مقدمه

دوره مس سنگی جدید و مفرغ قدیم در خاورمیانه، مقارن با رویدادهای بزرگی است که در آن جوامع وارد مسائل جدیدی مانند تخصص‌گرایی، تولیدات اقتصادی در مقیاس بزرگ و تجارت فرامنطقه‌ای می‌شوند (باتیوک و روژمن، ۲۰۰۷: ۸)؛ (در این راستا به نظر می‌رسد گسست کامل و تغییرات عمیق فرهنگی بین دوره مفرغ با دوره ما قبل آن در شمالغرب ایران و زاگرس مرکزی به چشم می‌خورد که این عدم تناسب و ناهمگونی شاخصه‌های فرهنگی، بیانگر منشاء بیرونی این فرهنگ بوده و نمی‌توان آن را نتیجه تکامل و یا تغییرات درونی در فرهنگ‌های پیشین برشمرد (طلائی، ۱۳۸۵: ۲۶). فرهنگ مفرغ قدیم آذربایجان بخشی از یک فرهنگ گسترده‌تر است که علاوه بر شمالغرب ایران، بخش‌های وسیعی از مناطقی چون آسیای صغیر، منطقه لوانت (فلسطین، سوریه و اردن)، جنوب روسیه (داغستان و چچن- اینگوش) و منطقه جنوب قفقاز را نیز دربرمی‌گیرد (شکل ۱) (کوشناروا^۱، ۱۹۹۷: ۴۴؛ ساگونوا^۲، ۱۹۸۴). این دوره فرهنگی به اسامی مختلفی مانند فرهنگ یانیق در شمالغرب ایران (برنی^۳، ۱۹۶۹)، فرهنگ شنگاویت^۴ در ارمنستان (بایورتیان^۵، ۱۹۳۸)، کاراز^۶ در آناتولی (کوشای و تورفان، ۱۹۵۹)، خیربت کراک^۷ در لوانت (امیران، ۱۹۶۵) و فرهنگ کورا- ارس^۸ (کوفتین^۹، ۱۹۴۱) نام‌گذاری شده است (کوفتین و فیلد، ۱۹۴۶: ۳۶۰، ویلکینسون و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۱).

1. Kushnareva
2. Sagona
3. Burney
4. Shengavit
5. Baiburtyan
6. Karaz
7. Khirbet Kerak

۸. این نام نخستین بار توسط کوشناروا براساس نمونه‌های شاخص سفالی به‌دست‌آمده از لایه‌های عصر مفرغ قدیم و مس سنگی جدید در جنوب قفقاز مورد استفاده قرار گرفت.

9. Kufin



شکل ۱ پراکنش محوطه‌های فرهنگ کورا- ارس (باتیوک و روٹمن، ۲۰۰۷: ۸)

صرف‌نظر از تفاوت‌های منطقه‌ای، یکپارچگی و همگونی مواد فرهنگی این دوره در چنین منطقه وسیعی از خاور نزدیک از جمله مواردی بوده که باستان‌شناسان را شگفت‌زده کرد، تا جایی که برخی از آنان این یکپارچگی و سنخیت مواد فرهنگی را نشان از حرکت قومی واحد تلقی کردند (کیگورادزه^۱ و ساگونا، ۲۰۰۳: ۳۹). در این رابطه برنی این حرکت را با ورود اقوام هوری زبان مرتبط دانسته (بورنی، ۱۹۸۹: ۴۵)، تعدادی نیز مهاجرت کشاورزان ماوراء قفقاز را به این مناطق دلیل اصلی انتقال این فرهنگ به سرزمین‌های جنوب و جنوب‌غربی و همچنین توزیع گسترده سفال این دوره می‌دانند (باتیوک و روٹمن، ۲۰۰۷: ۸).

چارلز برنی براساس حفاری یانیق تپه، گسست گاه‌نگاری بین لایه‌های دوره مس سنگی و مفرغ قدیم (فرهنگ کورا- ارس^۲) قائل بوده (بخشعلیف^۳، ۲۰۰۶: ۷۴) و مردمان فرهنگ کورا-

1. Kiguradze
2. Kura Araxes
3. Baxşəliyev

ارس را دام‌دارانی کوچ‌رو و آشنا با کشاورزی می‌داند، همچنین تغییرات در فرهنگ مادی و تکنولوژی ساکنین منطقه مانند ظهور سفال و معماری مدور این دوره را نیز به‌عنوان نفوذ فرهنگی و پدیده‌ای برون‌زا از آن سوی کوه‌های قفقاز قلمداد کرده که منطقه شمال‌غرب ایران را نیز دربرگرفته است (دنتی و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۸۶؛ بورنی، ۱۹۹۴: ۴۸، ۴۷). کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌هایی چون کؤل تپه I^۱ در جمهوری آذربایجان که یک‌جانشین بودن این گونه جوامع در خانه‌هایی با پلان مدور در دوره مس سنگی را نشان می‌دهند، دلیل بومی بودن این شیوه معماری محسوب می‌شود (علیف، ۲۰۰۷: ۸۷؛ بخش‌علیف، ۲۰۰۷: ۹۵). در دشت ارومیه نیز یافته‌های باستان‌شناختی برخی محوطه‌ها مانند تپه گیج‌لر نشانگر پیوستگی و تداوم از دوره مس سنگی جدید به دوره مفرغ قدیم است (خطیب‌شهیدی و عمرانی، ۱۳۸۵: ۹۰)؛ بنابراین به نظر می‌رسد محوطه‌های اولیه فرهنگ کورا- ارس در مکان‌هایی قرار گرفته‌اند که مرحله گذر از دوره مس سنگی جدید به دوره مفرغ قدیم در آن‌ها اتفاق افتاده است (کیگورادزه، ۲۰۰۰: ۳۲۳). این فرهنگ در اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم ق.م به داخل فلات ایران نفوذ کرده (بخش‌علیف و همکاران، ۲۰۰۹: ۸۲) و با این‌که نواحی کوهستانی نیز تا حدودی توسط مردمان این فرهنگ مسکونی شده (کوشناروا، ۱۹۹۷: ۱۸۳)، ولی بیشتر مناطق دشتی و یا کنار رودخانه‌ها مورد استقبال بوده است (ادنس، ۱۹۹۵: ۵۴).

آن‌چه در این مقاله اهمیت دارد و به آن پرداخته شده مطالعه پیکرک‌های گلی یافت‌شده از محوطه تپه زرنق در آذربایجان شرقی، مربوط به دوره مفرغ قدیم فرهنگ کورا- ارس است. این مطالعات نشان می‌دهد در فرهنگ کورا- ارس تغییراتی در ساخت پیکرک‌های انسانی نسبت به دوره‌های پیشین صورت گرفته و این جوامع تمایل به ساخت پیکرک‌های مسبک مذکر و آلت جنسی مردانه داشته است.

۲- پیکرک

انسان در طول هزاران سال زندگی آثار و بقایایی از خود به یادگار گذاشته که حکایت از نحوه زندگی و نمایانگر بازتاب‌های حیات مادی و معنوی است که در مجموع «فرهنگ» را تشکیل

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... _____ علیرضا هژبری نویری و همکاران

می‌دهد. از روزگار نخستین بشر همواره در جستجوی پندارهایش بوده و برای ارضای حس کنجکاوی ضمیر ناخودآگاه، دست به ابداعاتی زده است. تصویر کردن نخستین نقاشی‌ها بر دیوار غارها در دوران پارینه سنگی و پس از آن ساخت نخستین پیکرک‌ها به وسیله انسان حکایت از یک واقعیت ژرف و غیر قابل انکار دارد و آن همان توجه انسان به خود و اطراف خود است. ساخت و کاربرد پیکرک‌ها را می‌توان همزاد با تفکر انسان دانست (محمدی‌فر، ۱۳۷۵: ۲۷-۲۸).

از مشخصه‌های بارز پیکرک‌ها، دارا بودن اعضا بدن انسان یا حیوان مانند سر و دست و گاهی اجزا آن مانند چشم، گوش و همچنین اعضای جنسی انسان مانند آلت تناسلی است. پیکرک انسانی گاه با نام آنتروپومورفیک^۱ به معنی شبه‌انسان نیز خوانده می‌شود که در لغت‌نامه آکسفورد از آن به «نمادی از خدا در شکلی از انسان» تعبیر شده است (دامس^۲، ۲۰۰۴: ۲). پیکرک گذشته از این‌که داده‌ای مادی و فرهنگی است، می‌تواند گوشه‌هایی پنهان از آیین، تفکر، آداب و رسوم و دغدغه‌های زیستی و اجتماعی مردمان‌شان را آشکار کند. با مطالعه این پیکرک‌ها، تنوع و تمرکزشان و نیز با تأکید بر زمان و مکان آن‌ها می‌توان به تجزیه و تحلیل این آثار پرداخت و تا حدودی به زوایایی از زندگی مردمان گذشته پی برد (لسوره^۳، ۲۰۰۲: ۵۸۷). هنگامی که پیکرک‌ها در تعاملات و زندگی اجتماعی ظهور می‌کنند؛ مسائل پیچیده‌ای مطرح می‌شود که انواع دیدگاه‌های تحلیلی را می‌توان برای مطالعه معنایی آن‌ها به کار گرفت که هر یک از این دیدگاه‌ها می‌توانند مکمل و یا در تضاد هم باشند (ایبید^۴: ۵۸۸). مسلم پیکرک‌ها کارکرد نمادین داشته و متأثر از نقش اجتماعی آن‌ها در جوامع بوده است (فیروزمندی و کزازی، ۱۳۸۹: ۸۹). نکته قابل توجه این است که پیکرک‌هایی که از نظر زمانی هم دوره هستند با وجود فاصله‌های جغرافیایی شباهت‌های ظاهری بسیاری با هم دارند (دامس، ۲۰۰۴: ۱).

پیکرک‌های انسانی در بیشتر دوره‌های تمدن بشری دیده شده است. از قدیمی‌ترین نمونه‌های به دست آمده می‌توان به پیکرک‌های انسانی متعلق به دوره‌های فراپارینه سنگی و نوسنگی اشاره کرد که در آن‌ها به نمایش اغراق‌آمیز اندام‌های مرتبط با باروری و زایش در

-
1. Anthropomorphic
 2. Daems
 3. Lesure
 4. Ibid

پیکرک‌های مونث پرداخته شده است (فیروزمندی و کزازی، ۱۳۸۹: ۸۹). البته از دوره پارینه‌سنگی جدید نیز پیکرک‌های معدودی از نوع پیکرک‌های مونث، اندام‌ها جنسی مونث و همچنین پیکرک مذکر به دست آمده است. در این دوره‌ها تعداد پیکرک‌های مذکر حدود یک‌دهم پیکرک‌های مونث بوده است (الیاده^۱، ۱۹۸۷: ۳۶).

از کاربردهای مطرح شده برای پیکرک‌های انسانی می‌توان به اسباب‌بازی، ابزار آموزش، ابزار سحر و جادو و یا نمادی از فرقه یا مذهب اشاره کرد (لسوره، ۵۸۹-۲۰۰۲: ۵۹). برای پیکرک‌های مونث تعبیری چون باروری و زایش (الیاده، ۱۹۸۷: ۳۶؛ موسکارلا^۲، ۱۹۷۱: ۱۵)، نمایشگر نیش ارواح مردگان (ویتل، ۱۹۹۶: ۶۶)، نشانه‌های مادر خدایی، زن سالاری، قدرت عشق (موسکارلا، ۱۹۷۱: ۱۵) تعریف شده است که در مورد پیکرک‌های مذکر خلاف آن یعنی مصادیقی چون مردسالاری^۳ یا پدرخدایی را می‌توان بیان کرد. در رابطه با پیکرک‌های به‌دست آمده از محوطه‌های پیش از تاریخ در ایران باید اذعان کرد که بیشتر آن‌ها جنبه خدایی داشته‌اند (دامس، ۲۰۰۴: ۳). البته تمامی این نظریات حدس و گمان بوده و مدارک کافی باستان‌شناسی و انسان‌شناسی دال بر این موضوع ارائه نشده است.

در مطالعه فرهنگ کورا- ارس دست ساخته‌های مردمانی به‌دست می‌آید که محصول فعالیتی خلاقانه بوده و استمرار هزار ساله سنت ساخت آن‌ها نشان ارزش و اقبال اجتماعی بس کهنسال است (آجرلو، ۱۳۸۳: ۴۶). ساخت پیکرک حیوانات سم‌دار به‌ویژه قوچ و گاو از هنرهای تجسمی مردمان کورا- ارس است. پیکرک‌های دوره ماورا قفقاز قدیم در بیشتر محوطه‌های این دوره در سراسر منطقه وسیع فرهنگی آن مانند کؤل تپه I، بابا درویش (بخشعلیف، ۸۹: ۲۰۰۶)، یانیق تپه (بورنی، ۱۹۶۱: ۱۴۱؛ بورنی، ۱۹۶۴: ۵۷)، گوی تپه، هفتوان (بخشعلیف، ۱۴۱: ۲۰۰۶) و تپه کهنه پاسگاه (مازیار، ۲۰۱۰: ۱۷۰) در آذربایجان، تپه پیسا در زاگرس مرکزی (محمدی‌فر و همکاران، ۲۰۰۹: ۳)، سس هویوک^۴ (ساگونا و همکاران، ۱۹۹۶: ۴۶) و کروجو تپه^۵ در ترکیه (وان لوون^۶، ۱۹۷۳: ۳۶۲)، شنگاویت و موخرابلور^۷ در ارمنستان (بدلیان^۱،

1. Eliade
2. Muscarella
3. Patriarchy
4. SosHöyük
5. Korucutepe
6. Van Loon
7. MokhraBlur

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... علی‌رضا هژبری‌نوبری و همکاران

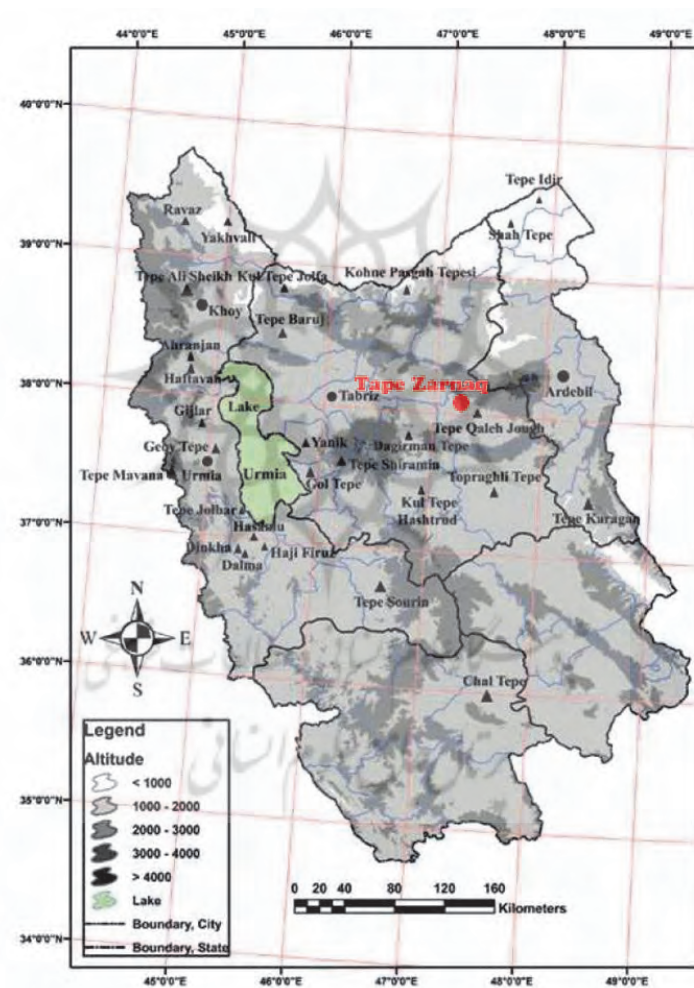
۱۹۹۶: ۴۷)، آمیرانیس گورا^۲ در گرجستان (آجرلو، ۱۳۸۳: ۴۹) به‌دست‌آمده است، با وجود اهمیت آن‌ها متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده و در گزارشات حفاری و در مقالات علمی نیز به وجود آن‌ها در محوطه‌ها اشاره شده، ولی کمتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در دوره مفرغ قدیم پیکرک‌های حیوانی به شکل کاملاً مسبک و استیلزیه و بیشتر از گل پخته ساخته می‌شدند تا گل خام یا سفال. هنرمند در ساخت پیکرک‌ها به جزئیات آناتومی حیوان توجهی نداشته و صرفاً به کلیات پرداخته است. پیکرک‌ها کمتر رنگ‌آمیزی می‌شدند، بیشتر ساده بودند و ارتفاع آن‌ها از ۸ سانتی‌متر بیشتر نبوده است. حبیب‌الله‌اف از آکادمی علوم آذربایجان ساخت پیکرک‌های گلی گاو، قوچ و بز را نشانه آشکار و بارز هنر مردمان دام‌دار می‌داند که چنین حیواناتی در حیات اقتصادی آن‌ها بسیار اهمیت داشته است. از نظر او تغییر در کمیت ساخت پیکرک گاو، بز یا قوچ در محوطه‌های استقرار کورا- ارسی با گاه‌نگاری‌های متفاوت می‌تواند نشانه تأکید بر پرورش گونه‌ای خاص از دام باشد (همان، ۴۹). آذربایجان و به طور عمومی قفقاز در این دوره با ظهور رسوم و آئین جدید روبه‌رو است. به نظر می‌رسد ازدیاد نیروی مولد اقتصاد و معیشت منجر به تضعیف موقعیت زن و متزلزل شدن پایه و اساس پرستش زن (پرستش الهه‌های مادر) شده و پایگاه و موقعیت مرد به‌عنوان مالک خانواده و نسل، افزایش و روابط پدرسالارانه تقویت می‌یابد؛ بنابراین پیکرک‌هایی که نشان‌دهنده جنس مذکر است در این جوامع خلق می‌شود (علیف، ۲۰۰۷: ۹۴، ۹۵).

۳- مطالعه موردی

تپه باستانی زرنق در استان آذربایجان شرقی (شکل ۲)، شهرستان هریس، بخش مرکزی، دهستان باروق، چسبیده به ضلع شمالی شهر زرنق واقع شده است (شکل ۳). این تپه از شمال و شرق به زمین‌های بایر و تپه ماهورهای طبیعی، از جنوب به منازل مسکونی و تأسیسات شهری زرنق و از غرب به رودخانه زرنق محدود می‌شود (شکل ۴). این تپه باستانی از طرف شورای ثبت آثار فرهنگی و تاریخی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی با شماره ۱۶۳۵۴ در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۸۵ جزو آثار ثبتی استان منظور شد.

1. Badalian
2. Gora-Amiranis

کاوش تپه زرنق از تاریخ ۱۳ خرداد سال ۱۳۹۱ با سرپرستی نگارنده آغاز و تا ۲۰ مهر ماه همان سال ادامه پیدا کرد. آثار به‌دست‌آمده از این محوطه متعلق به دوره‌های مس سنگی، دوره مفرغ، دوره آهن و اسلامی است. از مهم‌ترین اهداف کاوش این محوطه مطالعه دوره مفرغ در شرق آذربایجان و تطبیق آن با حوضه دریاچه ارومیه و سایر مناطق حوزه گسترش فرهنگ کورا- ارس بوده که پیشتر صورت نگرفته است.



شکل ۲ موقعیت تپه زرنق در نقشه شمال‌غرب ایران (Google Earth)

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... علی‌رضا هژبری نویری و همکاران



شکل ۳ موقعیت تپه زرنق در دشت (گوگل ارث)



شکل ۴ نمای تپه زرنق از جهت غربی (هژبری نویری، ۱۳۹۱: ۵)

از مهم‌ترین یافته‌های آن کشف تعداد ۱۰۲ پیکرک گلی مربوط به دوره مفرغ قدیم در ترانشه‌های E1 و E2 تراس دوم واقع در شمال تپه بود (شکل ۵) (هژبری‌نوبری، ۱۳۹۱: ۳۵۲)، که براساس شکل ظاهری این پیکرک‌ها در دو گروه پیکرک‌های انسانی و حیوانی تقسیم‌بندی شده است.



شکل ۵ محل کشف پیکرک‌ها در ترانشه E1 تپه زرنق با نمونه‌ای از معماری مدور آن (همان: ۵۱۳)

الف- پیکرک‌های انسانی

تعداد کل این پیکرک‌ها ۸۲ عدد است که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول ۶۲ عدد که نمایانگر ظاهر تمام قد یا نیم‌تنه انسانی است و دسته دوم تعداد ۲۰ عدد که مشخصاً نمایانگر آلت تناسلی مذکر است.

ب- پیکرک‌های حیوانی:

تعداد کل پیکرک‌های این گروه ۲۰ عدد است که براساس شکل ظاهری حیوانات به سه دسته آبزبان (ماهی و لاک‌پشت)، پرندگان و چهار پایان تقسیم می‌شوند (جدول ۱).

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... علی‌رضا هژبری نویری و همکاران

جدول ۱ توزیع پیکرک‌های تپه زرنق

مجموع	پیکرک‌های حیوانی				پیکرک‌های انسانی		ترانسه
	پرنندگان	آبزیان		چهارپایان	آلت جنسی مذکر	انسان	
		لاک‌پشت	ماهی				
۸۷	۸	۱	۱	۸	۱۷	۵۲	E ₁
۱۵	۲	۰	۰	۰	۳	۱۰	E ₂
۱۰۲	۱۰	۱	۱	۸	۲۰	۶۲	مجموع دو ترانسه
۱۰۲	۲۰				۸۲		مجموع هر گروه

تمام این پیکرک‌ها دارای ظاهری بسیار مسبک و انتزاعی بوده و به هیچ عنوان چشم، گوش، دهان و سایر اعضا کوچک بدن در آن‌ها مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین پیچیدگی ظاهری در آن‌ها لحاظ نشده و بیشتر ماهیت پیکرک‌ها مورد نظر بوده است. این پیکرک‌ها با توجه به پخت آن‌ها در دمای بالا و فعل و انفعالات خاک در رنگ‌های خاکستری، قهوه‌ای تیره و روشن است. هیچ تزئین یا علامتی اعم از نقوش کنده، رنگ‌آمیزی یا صیقل که نشان‌دهنده تلاش هنرمند در نزدیک‌شدن به طبیعت‌گرایی یا واقع‌گرایی جهت خلق اثر خود دیده نمی‌شود. ساخت و پخت پیکرک‌ها دو مرحله‌ای بوده، بدین‌گونه که ابتدا یک هسته مرکزی ساخته و حرارت داده شده، سپس اجزای بدن به آن‌ها اضافه، دوباره به کوره رفته و پخته شده است، به این دلیل تمام پیکرک‌ها دارای درجه سختی بسیار بالایی هستند. جنس این پیکرک‌ها از گل پخته است. وزن آن‌ها در مقایسه با ابعاد، بزرگ‌ترین آن‌ها از ۱۵ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند، سنگین‌تر است. در خمیره این پیکرک‌ها از آمیزه کانی متشکل از سنگ‌ریزه و خاک درشت و در تعدادی معدود از آمیزه گیاهی (کاه خردشده) استفاده شده است. با توجه به این‌که سنگ‌ریزه‌ها در این پیکرک‌ها درشت‌تر از نمونه‌های مشابه در محوطه‌های هم دوره بوده؛ بنابراین سبب به‌وجودآمدن ظاهری خشن‌تر در آن‌ها شده است. در مواردی نیز بر بدنه پیکرک‌ها ۱ یا ۲ عدد سنگ‌ریزه زاویه‌دار و نوک تیز یا تکه‌های ذغالی به صورت برجسته کار گذاشته شده که به نظر می‌رسد این عمل به صورت آگاهانه صورت گرفته و هدف از آن نشان دادن قسمت‌های سر، دست و آلت تناسلی به حالتی نماد گونه در پیکرک‌ها و یا شماییلی از لحظه شکار حیوان باشد که ابزار شکار بر بدن آن‌ها فرو رفته است (شکل‌های ۷ تا ۱۲). در

ساخت چند مورد از پیکرک‌ها از استخوان به‌عنوان هسته استفاده شده، و بر آن لایه‌ای از گل اضافه و شکل داده شده است. هیچ یک از پیکرک‌ها دارای ایستایی لازم نبوده و در ساخت آن‌ها از قالب استفاده نشده است.

پیکرک‌های متعلق به دسته نخست یعنی گروه انسانی نیز مانند سایر پیکرک‌ها بسیار مسبک و انتزاعی کار شده است. در آن‌ها اجزا کوچک بدن و جزئیات سر مانند چشم، بینی، دهان نشان داده نشده و در نمایش اجزای بدن مانند دست و پا به برآمدگی‌های کوچک اکتفا شده است، همچنین نشانه‌ای از وجود پوشاک بر آن‌ها قابل مشاهده نیست، به ظاهر برهنه بوده‌اند یا اهمیتی در به تصویر کشیدن لباس در آن‌ها دیده نشده است. این گروه پیکرک‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود که تعداد ۶۲ عدد جز دسته پیکرک‌های کامل، یعنی پیکرک‌های تمام قد و یا نیم تنه بالایی انسان را شامل می‌شوند و نکته مهم و قابل توجه در مورد این پیکرک‌ها، نبود هر نوع برجستگی در قسمت‌های سینه، باسن و آلت تناسلی مونث است^۱ که به احتمال قریب به یقین هدف از این گونه نمایش نشان دادن پیکرک‌های مذکر بوده است (شکل‌های ۶، ۷).



شکل ۶ نمونه پیکرک‌های انسانی به‌دست آمده از تپه زرنق (همان: ۳۵۲)

۱. این‌گونه نشانه‌ها معمولاً به وجود جامعه زن‌سالار و تقدس زن در جامعه، نشانه باروری و حتی وجود معیشت مبتنی بر کشاورزی تعبیر می‌شود، و در پیکرک‌های پیش از تاریخی بدان تأکید بسیار شده است.

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... _____ علیرضا هژبری نویری و همکاران



شکل ۷ نمونه پیکرک‌های انسانی به دست آمده از تپه زرنق (همان: ۳۵۲)

علاوه بر پیکرک‌های کامل تپه زرنق، ۲۰ عدد از پیکرک‌هایی که در گروه انسانی طبقه‌بندی و با عنوان دسته دوم معرفی شده پیکرک‌هایی شبیه به آلت تناسلی مذکر است. این پیکرک‌ها معمولاً به حالت استوانه‌ای، دو گوی متصل به هم و یا ترکیب این دو نوع است. براساس نظر نگارندگان این دسته تداعی کننده آلت جنسی انسان مذکر است (شکل‌های ۹، ۸).



شکل ۸ نمونه پیکرک‌های انسانی به شکل آلت جنسی مذکر (همان: ۳۵۲)



شکل ۹ نمونه پیکرک‌های انسانی به شکل آلت جنسی مذکر (همان: ۳۵۲)

براساس جدول ۱ بیست مورد از مجموع پیکرک‌های مطالعاتی به‌دست‌آمده از تپه زرنق متعلق به گروه حیوانی است. ۱۰ عدد از این پیکرک‌ها به شکل پرندگانی که متاسفانه به دلیل مسبک بودنشان تشخیص گونه دقیق آن‌ها ناممکن است. سر، بدنه، دم و حتی گاه بال حیوان در پیکرک‌ها قابل شناسایی است و در بیشترین حالت موجود معمولاً طول آن‌ها از ۸ سانتی‌متر و عرض ۵ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند. پیکرک آبزیان نیز در میان پیکرک‌های حیوانی به چشم می‌خورد که ۱ عدد ماهی و ۱ عدد به شکل لاک‌پشت است، همچنین ۸ عدد از پیکرک‌ها مختص به چهارپایانی که تشخیص نوع حیوان دشوار است (شکل‌های ۱۰، ۱۱).



شکل ۱۰ نمونه پیکرک‌های حیوانی به‌دست‌آمده از تپه زرنق (همان: ۳۵۲)

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... علی‌رضا هژبری نویری و همکاران



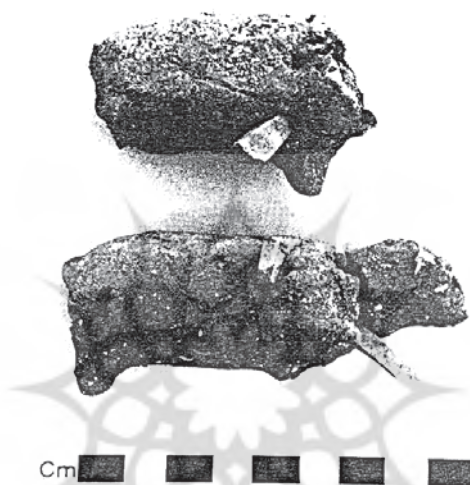
شکل ۱۱ نمونه پیکرک‌های حیوانی به دست آمده از تپه زرنق (همان: ۳۵۲)



شکل ۱۲ نمونه پیکرک‌های انسانی با نشانه‌های آلت مذکر (همان: ۳۵۲)

۴- مقایسه و تحلیل

پیکرک‌های گلی مشابه این نمونه‌ها، در محوطه عین‌الغزال، مربوط به دوره نوسنگی بی‌سفال به‌دست آمده که ظاهری بسیار ابتدایی دارند، سنگ‌های تیزی پیش از پخت در آن‌ها فرو شده است (شکل ۱۳) (رولفسن^۱، ۲۰۱۰: ۱۶۸).



شکل ۱۳ پیکرک از عین‌الغزال تصویر (رولفسان، ۲۰۱۰: ۱۶۸)

پیکرک‌های به‌دست‌آمده از تپه زرنق در مقام مقایسه با نمونه‌های زیاد به‌دست‌آمده از آسیای صغیر، قفقاز جنوبی و ایران در ارتباط با دوره ماورا قفقاز قدیم تشابهات و تمایزاتی را نشان می‌دهد. از نمونه‌های بارز آن می‌توان به دو پیکرک مرد به‌دست‌آمده از شنگاویت که امروزه در موزه تاریخ ملی ارمنستان در ایروان نگهداری می‌شود اشاره کرد. این پیکرک به گونه‌ایی مسبک، نشانگر مردی است که دست‌ها را بر سینه نهاده و انگشتان به وضوح نمایان است. سر با برجستگی بزرگی که نشانگر بینی است به دو قسمت تقسیم، چشم‌ها با سوراخ کوچکی نشان داده، و بر آلت جنسی مذکر با برجستگی بزرگی تأکید شده است (شکل ۱۴) (بادالیان،

1. Rollefson

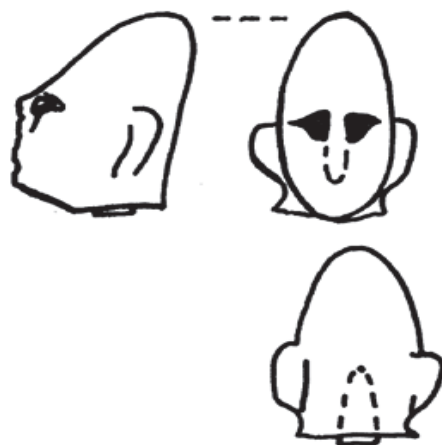
پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... _____ علیرضا هژبری نویری و همکاران

۱۹۹۶: ۴۷، ۴۶؛) به نظر اصلی‌ترین هدف سازنده اثر بوده و به نوعی می‌توان آن را با پیکرک‌های ساخته شده به صورت آلت تناسلی مذکر تپه زرنق شبیه دانست. نمونه‌ای دیگر سردیس انسانی به‌دست‌آمده از آمیرانیس گورا در گرجستان است، برخلاف پیکرک‌های تپه زرنق، هنرمند کوشیده تا جزئیات آناتومی صورت را با نزدیک‌شدن به رئالیسم و طبیعت‌گرایی نشان دهد (آجرلو، ۱۳۸۳: ۴۹). در یانیق تپه دو پیکرک انسانی از جنس سنگ که تنها قسمت شکسته سر آن‌ها باقی مانده به‌دست‌آمده که چشم‌ها با رنگ سیاه و سر با رنگ قرمز رنگ‌آمیزی شده است. تعبیه یک میخ سفالی در ناحیه گردن این پیکرک که شاید سر پیکرک را به بدن آن وصل می‌کرده، می‌تواند بیانگر پیشرفت تکنولوژی ساخت پیکرک باشد (شکل ۱۵) (بورنی، ۱۹۶۴: ۵۷). نمونه‌ای از این پیکرک‌های گلی متعلق به هزاره سوم ق.م. به شکل انسانی که به صورتی مسبک ساخته شده، در تل آربید در سوریه به‌دست‌آمده است (شکل ۱۶) (مکووسکی^۱، ۲۰۰۷).



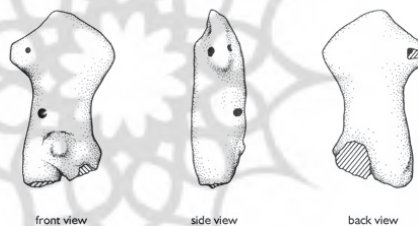
شکل ۱۴ پیکرک مرد از شن‌گاویت (بدلیان، ۱۹۹۶: ۴۶)

1. Makowski

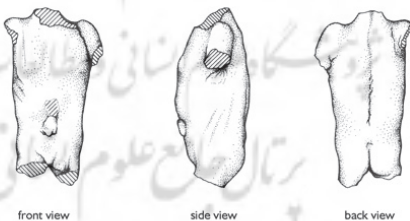


شکل ۱۵ پیکرک انسانی از یانیق تپه (بورنی، ۱۹۶۲: Plate XV, N11)

ARB '03 D 30/41-13B



ARB '06 SD 35/64-13-24



0 1 2 3 cm

شکل ۱۶ نمونه پیکرک‌های انسانی از تل آرپید در سوریه (مکووسکی، ۲۰۰۷: ۴۷۳، شکل ۱)

ساخت پیکرک مذکر و همچنین آلت جنسی مذکر موضوع جدیدی نبوده و از دوران اولیه ساخت پیکرک مشاهده شده است. برای نمونه در فازهای قدیم تپه علی‌کش در جنوب‌غرب

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... علی‌رضا هژبری‌نوبری و همکاران

ایران، پیکرک‌های T شکل با پایه و برآمدگی در سر یافت شده که بی شباهت به آلت تناسلی مردانه نیست (دامس، ۱۴:۲۰۰۴). این پیکرک‌ها از نشانه‌های بارز و شاخص مردسالاری و پرستش عنصر مرد در دوره مفرغ فرهنگ کورا- ارس است و در تبیین ساختار اجتماعی و اعتقادی این حوزه فرهنگی نقش ارزنده‌ای دارد. در برخی از پیکرک‌های به‌دست‌آمده از این دوره مانند سنگاویت (بادالیان، ۱۹۹۶:۴۶) تأکید بسیاری به این موضوع شده است.

پیکرک‌های حیوانی این محوطه نمایانگر نوع معیشت و اقتصاد این جامعه و وابستگی آنان به این گونه‌های حیوانی است. این مردمان از حیوانات آبی و پرندگان به‌عنوان مکملی در کنار چهارپایان برای امرار معاش و گذران زندگی استفاده می‌کردند. واقع شدن این محوطه در کنار رودخانه زرنق چایی که در گذشته بسیار پر آب‌تر از اکنون بوده می‌تواند دلیلی بر این ادعا باشد. داده‌های متنوع استخوان‌شناسی حیوانات اهلی مانند گاو، بز، گوسفند و خوک حاصل از کاوش‌های مختلف نیز نشانگر متکی بودن نوع اقتصاد معیشتی اهالی جوامع فرهنگ کورا- ارس بیشتر بر کشاورزی و دام‌داری است (علیف، ۸۹:۲۰۰۷؛ بخش‌علیف، ۱۶:۱۹۹۷). این داده‌ها نشان می‌دهند که در اوایل این دوره ابتدا حیوانات درشت شاخ مانند گاو در اقتصاد معیشتی این جوامع اهمیت بیشتری داشته، اما با گذشت زمان به تعداد ریزشاخ‌هایی چون گوسفند و بز افزوده شده و حتی نسبت بیشتری را به خود اختصاص داده است (علیف، ۹۸:۲۰۰۷)؛ این می‌تواند نشان‌دهنده تغییر اولویت معیشت این مردمان از کشاورزی به دام‌داری باشد (خطیب‌شهیدی و عمرانی، ۹۹:۱۳۸۵)؛ بنابراین افزایش دام در این مرحله نیاز به مراتع و چراگاه‌های بسیار در پی دارد، که موجب کوچ دامداران به مناطق بیلاقی شده است (الیون، ۸۹:۲۰۰۷). علاوه بر محوطه تپه زرنق از نمونه پیکرک‌های حیوانی دوره کورا- ارس در محوطه‌های ایران در یانیق تپه (بورنی، ۱۴:۱۴۱)، هفتوان (شکل ۱۷) (بخش‌علیف، ۱۴۱:۲۰۰۶) و تپه پیسا (شکل ۱۸) (محمدی‌فر، ۳:۲۰۰۹) و در محوطه‌های خارجی کؤل تپه I (شکل ۱۹) (بخش‌علیف، ۸۹:۲۰۰۶) و سنگاویت (شکل ۲۰) (بادالیان، ۴۷:۱۹۹۶) می‌توان نام برد که نمایشگر حیوانات شاخ‌دار اهلی هستند. این پیکرک‌ها کاملاً مسبک و مشابه نمونه‌های تپه زرنق است. براساس این نوشتار حیوانات شاخ‌دار مانند گاو اهمیت بیشتری نسبت به سایر حیوانات اهلی داشته است، زیرا در زمینه‌های کشاورزی نیز بسیار اثربخش بوده‌اند. از دیگر نمونه پیکرک‌های حیوانی در ارمنستان و در محوطه موخرابلور به‌دست‌آمده نمایشگر گاوی با

شاخ‌های بزرگ است. سبک کار این پیکرک برخلاف محوطه زرنق به طبیعت‌گرایی نزدیک است (همان). در کنار این نوع معیشت وجود بقایای گیاهی در میان بقایای این دوره نشان از وجود کشاورزی همراه اقتصاد مبتنی بر دامداری از اساس‌های دوره مفرغ قدیم در منطقه شمال‌غرب ایران و در محدوده مکانی- زمانی کورا- ارس است.

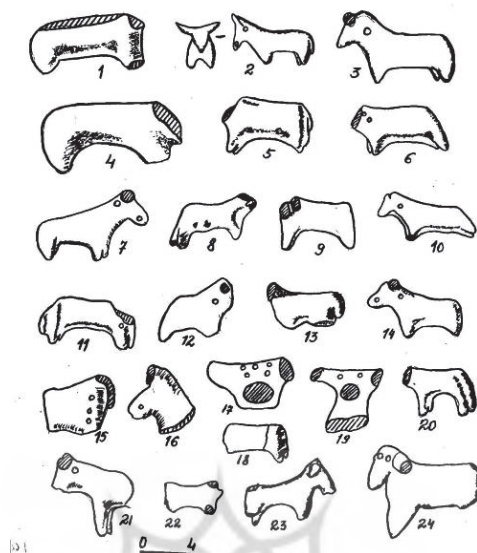


شکل ۱۷ پیکرک حیوانی هفتوان (بخشعلیف، ۲۰۰۶: ۱۴۱)



شکل ۱۸ پیکرک حیوانی تپه پيسا (محمدی‌فر و همکاران، ۲۰۰۹: ۳)

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... علی‌رضا هژبری نویری و همکاران



شکل ۱۹ پیکرک‌های حیوانی کؤل تپه I (بخشعلیف، ۲۰۰۶: ۶۴)



شکل ۲۰ پیکرک حیوانی شنگاویت (بدلیان، ۱۹۹۶: ۴۷)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با مطالعه و تحلیل پیکرک‌ها می‌توان تا حدودی به زوایای زندگی مردمان باستان و تعاملات و دغدغه‌های اجتماعی آنان پی برد؛ زیرا پیکرک‌ها کارکرد نمادین داشته و متأثر از نقش اجتماعی

آن‌ها در جوامع بوده است. در طی دوره مفرغ قدیم در محدوده فرهنگ کورا- ارس، تأکید بر ساخت پیکرک با ویژگی خاص مذکر دلیل روشنی به وابستگی جوامع آن دوره به مسائل اقتصادی و معیشتی است. ساخت پیکرک‌ها در این دوره معمولاً از گل پخته به شکل مسبک و استیلیزه بوده و هنرمند نیز در ساخت آن‌ها به جزئیات آناتومی توجهی نداشته و صرفاً به کلیات می‌پرداخته است.

ساخت پیکرک چهارپایان در محوطه تپه زرنق اهمیت حیات اقتصادی آن‌ها را نشان می‌دهد. پیکرک‌های حیوانی این محوطه نشانه آشکار و بارز هنر مردمان دام‌دار بوده و نمایانگر نوع معیشت و اقتصاد این جامعه و وابستگی آنان به این گونه‌های حیوانی است. این مردمان از حیوانات آبی و پرندگان به‌عنوان مکملی در کنار چهارپایان برای امرار معاش و گذران زندگی استفاده می‌کردند و داده‌های استخوان‌شناسی نیز این مطلب را تأیید می‌کند. در این دوره توسعه کشاورزی به‌ویژه دام‌داری منجر به رشد جمعیت و نیاز به نیروی مولد شد. از آنجایی که این نیاز انسانی به وسیله مردان مناسب از نظر توانایی فیزیکی برای مشاغل دشوار کشاورزی و دام‌داری تأمین می‌شود؛ بنابراین ازدیاد نیروی مولد (مردان) موقعیت زن را تحت تأثیر قرار داده و منجر به تضعیف و متزلزل شدن پایه و اساس پرستش الهه‌های مادر و تقویت پایگاه و موقعیت مرد به‌عنوان مالک خانواده و نسل و رشد روابط پدرسالارانه یا پدرنسی و مردسالاری شد. در نهایت با افزایش موقعیت مرد در جامعه فرهنگ کورا- ارس شاهد ظهور پیکرک‌های مذکر، اجاق‌ها، سه پایه‌های گلی و اهمیت تدفین مردان با ایجاد کورگان‌ها هستیم که همگی مرتبط با آداب و رسوم پرستش مرد است. مردسالاری نظامی اجتماعی که قدرت و حاکمیت در اختیار مردان است، و سهم بیشتری از مزایای اجتماعی چون قدرت، ثروت و احترام دارند و مفهومی است برای نظام و ساختاری که در آن مردها از راه نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود به جامعه و زنان سلطه دارند. براساس اعتقاد این گونه جوامع حتی خدا هم مذکر است. پیکرک‌های انسانی محوطه‌های این دوره و همچنین تپه زرنق، اعم از پیکرک‌های کامل و پیکرک‌های نمایشگر آلت جنسی مذکر نشان می‌دهد که در هنر این دوره به جنس مذکر بیش از جنس مونث پرداخته شده است. البته این موضوع در سایر محوطه‌ها با مطالعه کورگان‌ها و اجاق‌ها در گذشته مطرح بوده است. به‌دست آمدن این پیکرک‌ها می‌تواند تصدیقی بر جوامع مردسالار و پرستش مرد در دوره مفرغ قدیم در این منطقه فرهنگی باشد. تغییر

پیکرک‌های دوره مفرغ قدیم تپه ... علی‌رضا هژبری نویری و همکاران

ساختار اجتماعی، سیاسی و عقیدتی یک جامعه از زن سالاری به مردسالاری می‌توانسته به دلیل خوی خشن مردانه پیامدهایی چون جنگ و مهاجرت در زمینه‌های سیاسی، رشد بیش از پیش کشاورزی و دامپروری در عرصه‌های اقتصادی و معیشتی و همچنین به وجود آمدن طبقات اجتماعی باشد.

۶- کتاب‌شناسی

- آجرلو، بهرام، (۱۳۸۳). «بررسی هنر کورا- ارس»، *پیام باستان‌شناسی*، سال اول، شماره دوم، ص ۴۳-۶۰.
- خطیب‌شهیدی، حمید و بهروز عمرانی، (۱۳۸۵). «سرآغاز شهرنشینی در شمال غرب ایران در عصر مفرغ قدیم»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۴۴-۴۵، ص ۸۹-۱۱۲.
- طلائی، حسن، (۱۳۸۵)، *عصر مفرغ ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- فیروزمندی، بهمن و سیده‌ماندانا کزازی، (۱۳۸۹). «جایگاه زن در دوران پیش از تاریخ: مطالعه موردی پیکرک‌های محوطه حاجیلار»، *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*، دوره ۲، شماره ۱، ص ۸۹-۱۱۱.
- محمدی‌فر، یعقوب، (۱۳۷۵)، *پژوهشی نو در سبک و کاربرد پیکره‌های انسانی ایلام: از آغاز تا ایلام نو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- هژبری نویری، علی‌رضا، (۱۳۹۱). *گزارش کاوش باستان‌شناختی تپه زرنوق*، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، منتشر نشده.
- Amiran R. (1965), 'YanikTepe, Shengavit, and the Khirbet Kerak Ware'. *Anatolian Studies*, Vol. 15, pp 165-167.
- Əliyev, İqrar, (2007), *Azərbaycan tarixi*, Azərbaycan Milli Elmlər Akademiyası A.Bakixanov Adına Tarix İnstitutu, I cild (Ənqədimdən - b.e. III əsri), Bakı.
- Badalian, Robens, (1996). "Agricultures et Eleveurs: Naissance d'une Culture du Cuivre et de La Terre Cuite au Chalcolithique et au Bronze Ancien", in: Jaques Santrot (ed), *Trésors de l'Arménie Ancienne*, paris. pp: 36-52.

- Baiburtyan E. A. (1938), Kul'tovy Ochag Iz Raskopok Shengavits kogo Poseleniya 1936-1937 (Cultural Hearths from the Excavation of the Shengavit Settlement in 1936-1937). *Vestnik DreneiIstorii*, Vol. 4, pp 255-259.
- Batiuk S.D. And M. S. Rothman, (2007), “Early Transcaucasian Cultures and their Neighbors: Unraveling Migration, Trade and Assimilation”, *Expedition* 49, Number 1, pp.7-17.
- Baxşəliyev, Vəli, (2006), *Azərbaycan Arxeologiyasi*, Azərbaycan Milli Elmlər Akademiyası: Naxçıvan Bölməsi: Naxçıvan Dövlət Universiteti, I Cild, Bakı.
- Bakhshəliyev, V. Ristvet L., S.Ashurov, (2009), The Chronology of Kura-Araxes Sites: 2006 Excavations at Kültepe II and MaxtaI, in: Helwing, B. (ed), *Azerbaijan between East and West. Transfer of Knowledge and Technology during the “First Globalization” in the 7th to 4th Millennium BC*, Berlin, pp. 82-84
- Bakhshəliyev, Vəli, (1997), *Nahçıvan arkeolojisi/ The Arcaeology of Nakhichevan*, Arkeoloji ve Sanat Yayınları, Istanbul.
- Burney, C. A. 1961, Excavation at Yanik Tepe, North Western Iran, *IRAQ*, Vol. 23, pp.138-153.
- Burney, C. A. 1964 Excavation at Yanik Tepe Azerbaijan, (1962): third preliminary report, *IRAQ*, No.26, Pp.54-61.
- Burney, C. A., (1989), Hurrians and Proto-Indo-Europeans: The Ethnic Context of the Early Trans-Caucasian Culture, in: Emre. K., Hrouda. B, Mellink. M & Özgüç .N (eds.) *Anatolia and The Ancient Near East*:. Ankara, pp 45-51.
- Burney. C, (1994), “Contact and Conflict in North Western Iran”, *Iranica Antioqua*. Vol XXIX, pp 47-62.
- Daems, Aurelie, (2004), On Prehistoric Figurines In Iran: Current Knowledge And Some Reflections, *Iranica Antiqua*, Vol. XXXIX, pp 1-31.
- Danti, D. Michael, Voigt M.M., Dyson R.H. (2004), “The Search for the Late Chalcolithic/Early Bronze Age Transition in the Ushnu- Solduz Valley, Iran” in: A. Sagona (ed.), *A View from the Highlands*, pp 583-616.

- Edens, Christopher, (1995), "Transcaucasia at the End of the Early Bronze Age", *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, No. 299/300, pp 53-64.
- Eliade, Mircea, (1987), *The Encyclopedia of Religion*, Vol 6, New York.
- Kiguradze, T. B. and A. G. Sagona (2003), "On the Origins of the Kura-Araxes Cultural Complex", In: Smith A. T. and Rubinson K. S. (eds.), *Archaeology of the Borderlands: Investigations in Caucasia and Beyond*, pp 38-94.
- Kiguradze, Tamaz, (2000), "The Chalcolithic - Early Bronze Age Transition in the Eastern Caucasus" in: Catherine Marro et Harald Hauptmann (eds.), *Chronologies des Pays Caucasiens et de l'Euphrateaux IV^e-III^e Millénaires*, pp 321-328.
- Koşay, H. Z. & K. Turfan, (1959). "Erzurum KarasKazısı Raporu", *Belleten*, Vol. 3(91), pp 349-413.
- Kuftin, B. A. 1941, *Archaeological Excavation at Triale*, Vol.1. Tbilisi.
- Kuftin, B. A. and Field, H. (1946), "Prehistoric Culture Sequence in Transcaucasia", *Southwestern Journal of Anthropology*, Vol. 2(3), pp 340-360.
- Kushnareva, K. K. (1997), *The Southern Caucasus in Prehistory: Stages of Cultural and Socioeconomic Development from the Eighth to the Second Millennium B.C.* University Museum Monograph 99. University Museum, University of Pennsylvania, Philadelphia, PA.
- Lesure, Richard G. (2002), "The Goddess Diffracted: Thinking about the Figurines of Early Villages", *Current Anthropology*, Vol. 43, No. 4 (August/October 2002), pp. 587-610.
- Makowski, Maciej (2007), "Anthropomorphic Figurines of the Third Millennium BC from Tell Arbid", *Polish Archeology in the Mediterranean*, Vol. XVII, pp 472-482.
- Maziar, Sepideh, (2010), "Excavation at Kohnepasgah Tepesi, Araxes valley, Northwest Iran: First Preliminary Report", *Ancient Near Eastern Studies*, Vol.47, pp. 165-193.

- Mohammadifar, Yaghoub, A. Motarjem & H. T. Khorasani, (2009), "TepePissa: New Investigations at a Kura-Araxes site in Central western Iran", *Antiquity*, Vol 83. Issue 320.
- Muscarella, Oscar White, (1971), "Hacilar Ladies: Old and New", *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, Vol 30, No 2, pp 74-79.
- Rollefson, Gary.O, (2010), "Ritual and Social Structure At Neolithic Ain Ghazal" in: Kuijt, I. (ed.), *Life in Neolithic Farming Communities Social Organization, Identity and Differentiation*, pp 163-188.
- Sagona, A. G. (1984), *The Caucasian Region in the Early Bronze Age*. BAR International Series 214, 3 Vols. B.A.R, Oxford, England.
- Sagona, Antonio, Mustafa Erkmén, Claudia Sagona and Ian Thomas, (1996), "Excavations at Soshöyük, 1995: Second Preliminary Report", *Anatolian Studies*, Vol. 46, Pp 27-52.
- Van Loon, Maurits, (1973), "The Excavations At Korucu Tepe, Turkey, 1968-70: Preliminary Report. Part I: Architecture and General Finds", *Near Eastern Studies*, Vol. 32, No. 4, Pp 357-423.
- Whittle, A, (1996), *Europe in the Neolithic: The Creation of New Worlds*, Cambridge University Press, Cambridge, New York.
- Wilkinson, Keith N. & Boris Gasparian, (2012), "Areni-1 Cave, Armenia: A Chalcolithic–Early Bronze Age Settlement and Ritual Site in the Southern Caucasus", *Field Archaeology*, Vol. 37, No. 1, pp 20-33.